

از (ص ۲)

در کشورهای امپریالیستی با تمام

تاریخ طولانی‌اش دارای آیندیی نمی‌باشد، چه رسد به کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق که در آن هیچ گذشتیمی ندارد.

از آنرو جنبش آزادی‌بخش ملی در جریان حرکت بسوی هدف خود – آزادی کامل خلق‌ها از هم اشکال و انواع ستم – بطور ناگزیر وارد مرحله حل پرابلم‌های اجتماعی می‌گردد و در جهت انقلابی رشد می‌نماید که هدف آن تعمیر مجدد جامعه سوسیالیستی می‌باشد.

پروگرام دموکراتیک عمومی این جنبش در جریان عمل از حدود چوکات سرمایه‌داری، که برای جنبش خلقی ضد امپریالیستی و هم برای انکشاف این جنبش بسیار تنگی می‌کند، خارج می‌گردد، و این پیشگویی به حقیقت می‌پیوندد که: «در مبارزات فیصله کن آینده انقلاب جهانی، جنبش اکثریت نفوس جهان که در بدو امر به آزادی ملی معطوف بود، بیک جنبش ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیستی مبدل خواهد شد.»

این حقیقت که ساختمان سوسیالیزم شعار کلیه احزاب و نیروهای بانفوذ در کشورهای نو به آزادی رسیده گردیده است، خود انعکاس دهنده «تعمیق و جهت گیری مجدد» جنبش آزادی‌بخش ملی می‌باشد. حتی بسیاری از نمایندگان بورژوازی ملی باین نتیجه رسیده‌اند که راه سرمایه‌داری «کلاسیک» را که جهان غرب پیموده است، برای این کشورها راه مناسب و شایسته‌یمی نیست، از آنرو از استقرار و تقویه سکتور دولتی، پلان گذاری اقتصادی، کوپراتیف‌های زراعتی و غیره طرفداری نمی‌نمایند. آن‌ها برای پوشاندن مقصد اصلی خود که عبارت است از پیشبرد مشی مستقل رشد سرمایه‌داری و «تخفیف» بعضی از «زشتی های» این نظام اصطلاحات سوسیالیستی را بکار می‌برند. ولی با وجود این حقیقت که مفاهیم گوناگون سوسیالیزم در کشورهای نوبنیاد، غالباً یا عوامفریبی محض مرتجعین است یا پرده ایست بر روی تلاش‌هایی که هدف آن تأمین پیروزی مناسبات سرمایه‌داری در این کشورها می‌باشد، اما بهیچ صورت از اهمیت عظیم پخش شدن شعارهای سوسیالیستی در مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق نمی‌کاهد.

وضع تجارت پشم

به حوزه به اصطلاح آزاد تجارتي با دادن سبسيادى‌ها می‌باشند ورته چه دليلی موجود است که در برابر اسعار حاصله از صادرات پشم به حوزه بارترى ٤٥ افغانى و به حوزه «آزاد» ٥٥ افغانى فى دالر از طرف حکومت پرداخته شود؟ و همچنین در برابر اسعار ماحصل صادرات پخته به حوزه «آزاد»، علاوه بر ٤٥ افغانى فى دالر ١٩ افغانى اضافی دیگر بحیث سبسيادى قابل گردد.
یعنی ٦٤ افغانى فى دالر.
درحالی‌که در مقابل صادرات به حوزه بارترى ٤٨ افغانى فى دالر پرداخته می‌شود.

ما معتقدیم که مردم، مولدین واقعی، فریب این نوع تبلیغات را نخواهند خورد که گویا در شرایط موجود بغرض تقویه و حمایه آن‌ها اقداماتی صورت می‌گیرد. آنان انگیزه واقعی این‌چنین تجاویز را می‌دانند که هدف آن ترغیب بیشتر تجار بزرگ و دلالان کمپرادور جهت کسب سود بیشتر و قابل شدن به تبعیض میان صادرات اموال اساسی صادراتی ما به حوزه بارترى و حوزه «آزاد» تجارتي می‌باشد و ازین طریق کوشش می‌شود ورته تجارت خارجی به سود حوزه «آزاد» تغییر نماید و زمینه برای نفوذ بیشتر استعمار نوین و امپریالیزم در اقتصاد و تجارت کشور فراهم گردد.

این حقیقت که بسیاری از حکومت‌ها در کشورهای نو به آزادی رسیده نمی‌توانند موقف جانب‌داری از راه سرمایه‌داری را اتخاذ کنند و آنرا نامکن می‌پندارند، نشان‌دهنده عمق کامل احساسات ضد سرمایه‌داری توده‌های مردم در این کشورهاست و همچنان نشانه شکست عمده ایدیولوژیکی و سیاسی سرمایه‌داری در مناطق می‌باشد که سرمایه‌داری امید داشت و هنوز هم دارد که آنرا به حیث نیروی ذخیره در مبارزه علیه سوسیالیزم استعمال نماید.

یکی از خصوصیات برجسته ترقی اجتماعی در مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق این است که ترقی اجتماعی در آنها نتایج و حاصل جنبش آزادی‌بخش ملی می‌باشد.

در شرایط کنونی امکانات آن وجود دارد که انقلاب آزادی‌بخش ملی «مانند الجزایر» در جهت جنبش سوسیالیستی رشد و انکشاف نماید و پیروسه انقلابی در مرحله معینی از انکشاف خود هر دو جنبش را در یک جریان واحد انقلابی باهم مزج نماید.

این خصوصیت جنبش آزادی‌بخش ملی در توسعه مینای اجتماعی و سیاسی آن کمک می‌نماید و امکان آنرا بوجود می‌آورد که توده‌های خورده بورژوابی و طبقات متوسط از مجاری مبارزه آزادی‌بخش ملی به نهضت جذب گردند و شرایط مساعدی برای جمع نمودن همه نیروهای سالم ملت در یک جنبه واحد، در زیر پرچم ترقی اجتماعی بوجود آید، و به نسبت ضعف نسبی بورژوازی محلی به نیروی مقاومت عناصر مرتجع خاتمه داده شود.

اعتبار بزرگ سوسیالیزم و پیروزی‌های عظیم آن ... این جریان را تسریع می‌کند.

بالآخره، باید خاطر نشان گردد که جنبش‌های آزادی‌بخش ملی معاصر زمانی به اهداف خود نایل می‌گردند و به پیروزی نهایی می‌رسند که خصلت خلقی داشته باشند. این یگانه تلقی وطن خاوندان شو، د پشتنو بچی به کوچ وخورى - ولی چه پرنکی ورله تشی شومبری ورکولی. زه نن تاسو ته وایم؛ زه پرون د خپل کلی نه راتلم. په لار کی می د پشتنو ماشومان لیدل چه په لارو کوخو کی بی سوتی را ټولولی. دا سوتی هغوی ټولوی او ټپباکی ترې جوړوی او دا خرخوی او پدی طریقه هغوی ژوند تیروی. دا زموږ د شل کاله آزادی نه پس حیثیت دى پدی ملک کی. تاسو کوچ غوښتل، پرنکی خو شومبری درکولی، نن درته خړک رڼی اوبه هم نه درکوی. هغه شومیره هم نشته، ستاسو د بچو دپاره زه نن دې حساب کتاب ته ولاړ يم. نن ستاسو هغه مشران د خدای په فضل دلته موجود دى، چا چه قربانی ورکړیدی. هغه مشران دلته شته چا هغه مشران زما په سترگو باندې لگی چا چه پکښی دیرش – دیرش څلویښت – څلویښت کاله خپل خانی تیری کړیدی. نن هغوی دلته موجود دى او دا هم ډیره د خوشحالی خبره ده. گیر چاپیره چه گورمه نو جوانان هم دلته موجود دى، زه پدې نن ډیر خوشحاله یم چه دا نوجوانان گوری چه دا بوداگان نور بوداگان کیږی، د هغوی په لاس کښی کومه جنده ده – سره جنده د هغوی خپی کمزوری کیږی، او دا احتمال کیدی شی چه دا جنده ددی بوداگائوسره هم را پرپوزی. خو دا می امید دى چه کوم وخته پوری یو پښتون بچی ژوندی وی نو دا به خپل مشران او د دوی د عمر دا خوارى هیره نکړیږ.

ای پشنتو! دې مشرانو تاسو له پښتو کتلی ده، ننګ بی درته کتلی دى، غیرت یی درته کتلی دى او د پلار نیکه خاوره یی درله کتلی ده، نو دا به تاسو څنگه یوازی پرېږدئ. دا خو کیدی نشی او دغه ځمکه یی چه در له کتلی ده،

طبیعی از گرایش معاصر این جنبش‌ها از مقاصد اجتماعی ضد امپریالیستی و از نیروهای محرکه آن می‌باشد.

جنبش‌های آزادی‌بخش ملی جنبش‌هایی ست به منفعت عامه خلق. جنبش‌های آزادی‌بخش ملی معاصر بنا بر خصوصیت ضد امپریالیستی و محتوی جدید اجتماعی آن، و بنا بر نقش بزرگی که خلق‌ها در آن بازی می‌نمایند، زنجیر امپریالیزم را در حساس ترین قسمت آن جدا تضعیف می‌نمایند تا در وقت به سر انجام رساندن جنبش کاملا از هم بگسلد.

خصوصیات جنبش آزادی‌بخش امروزی نشان می‌دهد که چرا این جنبش‌ها با حصول استقلال سیاسی پایان نمی‌یابند، بلکه به کمک این استقلال وارده مرحله جدیدی می‌گردند. وظیفه عمده جنبش در مرحله جدید عبارت است، از حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیزم، یعنی بدست آوردن استقلال اقتصادی و از طریق آن تحکیم حاکمیت ملی. نیروهای وطن‌پرست جنبش از تجربه خود می‌آموزند که نیل به این هدف تنها از راه تغییرات عمومی دموکراتیک، از بین بردن ریشه‌های اقتصادی و بقالیای نفوذ سیاسی امپریالیزم، انکشاف صنایع ملی، حل مسأله ارضی، دموکراتیک کردن حیات اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، پیروی از یک سیاست خارجی فعال ضد امپریالیستی امکان‌پذیر است.

هسته جنبش را در مرحله جدید رشد آن، ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد

«جنبش آزادی‌بخش ملی با حصول استقلال سیاسی پایان نمی‌یابد. هرگاه این جنبش تغییرات بنیادی ای را در ساحات اجتماعی و اقتصادی بیار نیابد و پرابلم‌های مرم تجدید حیات ملی را حل نکند، این استقلال ناستوار و موهم خواهد بود.»

البته مبارزه در راه استقلال

د لمری مخ پاتی

د پښتونستان ...

نن – نن زموږ او د حکومت جنگ په څه دی؟ پدی مو جنگ دی چه دا کومه ځمکه تا سو له دی پلارانو کتلی ده چه ددی حاصلات ستاسو کورته راشی، نوره پکښی زیاتی هیڅ خبره نه شته او د هغی دپاره موږ گورو په قسم قسم طریقو او وسیلو او سازشونو باندی پښتون له خپل حق نه محرومیږی.
زموږ «صدر صاحب»چه ناجوره کیده د هغه مخکښی زه ډیر خوشحاله وم هغه

مبارزه سیاسی طبقه کارگر تمام ساحات حیات اجتماعی را که به دیگر طبقات و قشرهای جامعه بورژوازی و دولت بورژوازی و فعالیت‌های آن ارتباط می‌گیرد، احتوا می‌نماید. «شعور طبقه کارگر واقعأ شعور سیاسی بوده نمی‌تواند، مگر اینکه کارگران چنان پرورش یابند که بدون استثنا در برابر تمام قضایا اعم از بد رفتاری ها احساس مسئولیت کنند و از خود عکس العمل نشان دهند. بدون در نظر گرفتن اینکه کدام طبقه یی را متأثر می‌سازد.» (این گفته متضمن یک ارتباط نزدیک در میان دفاع از منافع طبقه کارگر و مبارزه برای حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک، مبارزه علیه سیاست خارجی ضد ملی بورژوازی و در بسیاری کشورها مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و غیره است.

تمام این رهنمودهای مربوط به فعالیت سیاسی طبقه کارگر، بالذات و بخصوص در شرایط معاصر بسیار پر اهمیت است. ولی این ادعا که مطالب فوق تمام وظایف مبارزه سیاسی را در بر می‌گیرد، نادرست خواهد بود. «کافی نیست اظهار گردد

اقتصادی یک مبارزه خالص اقتصادی نمی‌باشد. عرصه تصادم نیروهای ملی با امپریالیزم و ارتجاع داخلی در دولت‌های جوان بسیار وسیع است. ساحات و جهات مختلف حیات اجتماعی را احتوا می‌نماید که حاد ترین شکل آن در عرصه سیاسی صورت می‌گیرد.

وضع خاص کشورهای مختلف مستعمره و نیمه مستعمره سابق بیشتر در مرحله جدید جنبش آزادی‌بخش ملی تبارز می‌کند. اشکال و شیوه‌های را که برای حل پرابلم‌های این مرحله بکار برده می‌شود تعیین می‌نماید.

که مبارزه طبقاتی وقتی ثبات و تحقق مییابد و رشد می‌کند که صرف محدود به ساحه سیاست باشد ... مبارزه طبقاتی هنگامی بصورت کاملأ رشد یافته به سوبه ملی تأیید می‌گردد که تنها محدود به ساحه سیاست نمانده، بلکه به مرکز و هسته سیاست، یعنی به سیستم قدرت حکومت پیش رود.»

در اینجاست که تمایز آشکار در میان عناصر ترقی‌خواه و لیبرال‌های معمولی بوجود می‌آید. لیبرال‌های (آزادخواهان) معمولی مبارزات طبقاتی را تا ساحه سیاست تأیید می‌کنند، ولی مشروط بر اینکه مشمول مبارزه کارگران، بمقصد سرنگونی نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیزم) و تصرف قدرت حکومتی نباشد.

از آنچه که اظهار گردید واضح می‌شود که تئوری پیشرو درحالی‌که علت اصلی تمام مبارزات میان طبقات را در منافع مادی و اقتصادی مشاهده می‌کند. در عین زمان تقوق و برتری امور سیاسی را بر امور اقتصادی تأیید می‌نماید و شکل سیاسی مبارزه طبقه کارگر را بمثابة عالی‌ترین شکل مبارزه برمی‌گزیند و تمام مبارزه طبقاتی را بحیث مبارزه سیاسی تلقی می‌نماید. اشکال مبارزه اقتصادی و

اضمحلال سیستم استعماری به افسانه امپریالیستی متداولشکل بودن جهان پهناور استعمار خاتمه داد. اختلاف زیاد در شرایط اجتماعی و اقتصادی، سنن تاریخی و ملی و دیگر خصوصیات این کشورها آشکار گردیده است.

خلایقیت مبارزه توده‌ها که فرصت نشان دادن ابتکار تاریخی را بدست آورنده‌اند، باعث بوجود آمدن تعدد اشکال خاص انکشاف اجتماعی در مبارزه علیه استعمار، فیودالیزم و سرمایه‌داری می‌گردد.

(باقی‌دارد)

زموږ دغه يوه ذریعه ده چه تاسو له تکلیف درکړو، راموولو او تاسو ته خپله خبره وګرور اخبار موږ له څوک نه راګوری. ریډیو خواره د پابنده خان دوی ټیټکه ده، نو د دی کبله دا یوه موقع ده چه کله موږ او تاسو سره مخامخ شو ټولو ډیری زړی وهی، ګاټی پکښی یو بل سره صفا کړو. زموږ صدر صاحب ویلی دی چه مغربی پاکستان دی یو یونټ وی، ولی؟ ځکه چه د مغربی پاکستان ریلو را یو دی، کله چه له کراچی نه ریلو را روان شی نو پېښور ته را رسی. څومره ښه دلیل دی (!) بله دا چه زموږ بجلي يوه ده، چه د پېښور نه روانه شی تر کراچی پوری يوه بجلي ده، نه چه د بجلي سلسله مو يوه ده نو په کار دی چه ټول مغربی پاکستان یو یونټ شی، دا دوهم دلیل دی. دریم دا چه کیس زموږ چه دی، ټول د بلوچستان نه راغلی دی او د کیس سلسله مو يوه ده، نو په کار دی چه ټول یو ملک شو، یو صوبه شو. یو ملک خو یو چه یو صوبه شو – یعنی په دومره سښو سترګو چه د بلوچستان نه بی کیس واخیست او زما نه یی بجلي واخیسته، هغه زما دپاره د ... جواب شو. (چک چکی). وایی چه د کراچی نه ګادی را روان شی پېښور ته راځی. که د صدر صاحب نه زه دا ټپوس وکړم که دا ګادی له بمبئی نه را روان شو او پېښور ته راغی نو هم به منی او که دا ګادی د کلکتی نه را روان او ډاکی ته لاړ نو بیا به هم دا منی؟ (چک چکی) دا څه د ماشومانو غونډی خبری دی او که د بجلي خبره وی نو د پنجاب بجلي تر اوسه پوری د هندوستان به راتله نو وبه یی منی؟ دا د ماشومانو خبری ندی او نه خلکو له د هوکی د ورکولو کوشش په کار دی.

پرچم: خواست‌های دريوران ...وم انحصارات را که یک زمان طولانی در خدمت وطن بسر برداند ... دانسته و جدا خواستار است ... از دست رفته این کارگران ... تلافی و اعاده گردد.

مطالبات قانونی دريوران و کليران

انحصارات دولتی

٤- معاش کلینر های موتر در مرکز پنجصد افغانی است و باید به هفتصد افغانی یعنی معادل با معاش کلینران در اطراف شود.

٥- هرگاه موتری برای رفع عوارض از طرف انحصارات توقف داده می‌شود، به دریور موتر تا پانزده روز بعد از توقف، معاش پوره و بعد از پانزده روز تا یکماه معاش نصفه تادیه می‌گردد و در صورتی که توقف از یکماه تجاوز نماید، معاش دریور طبق دستور خلاف قانون قطع می‌گردد ولی با وصف آن مکلف بدادن حضری و ایفای خدمت می‌باشد. این روشن دستوری، ظالمانه و خلاف قانون است و باید حذف گردد و معاش دریوران تا زمانی که قانونا مربوط انحصارات است، اجرا گردد.»

پرچم: خواست‌های دريوران ...وم انحصارات را که یک زمان طولانی در خدمت وطن بسر برداند ... دانسته و جدا خواستار است ... از دست رفته این کارگران ... تلافی و اعاده گردد.

پرچم

(از ص اول)

طبقات و مبارزهٔ طبقاتی

ایدیولوژیکی بالذات هدف نیست، بلکه با وصف اهمیت آن‌ها تابع اهداف وظایف عالی‌تر سیاسی کارگران می‌باشد. تنها مبارزه سیاسی اقتصادی طبقه کارگر می‌تواند احتیاج اساسی اقتصادی طبقه خود را تأمین کند و استثمار انسان از انسان را محو سازد.

طبقه کارگر برای نیل باین وظایف و اهداف، مطابق به شرایط و از طرق گوناگون به مبارزه سیاسی می‌پردازد و از وسایل و راه‌ها و اشکال مختلف از قبیل مبارزه مسالمت‌آمیز که شامل اعتصابات سیاسی، تظاهرات، میتینگ و مبارزات انتخاباتی و بالأخره طبق اوضاع از شکل غیر مسالمت‌آمیز که نمونه معاصر آن در ویتنام جریان دارد، استفاده می‌کنند. اهداف و طرق (میتود) مبارزه سیاسی ایجاب می‌کند، تا اشکال عالی‌تر سازمان‌های طبقه کارگر، مقدم بر همه حزب سیاسی زحمتکشان ایجاد گردد. طوری که تجربه نشان می‌دهد، چنین حزبی در تاریخ جنبش طبقه کارگر یک پدیده طبیعی بشمار می‌رود. همچنین مبارزه سیاسی ایجاب می‌نماید که وحدت و همبستگی سرتاسری طبقه کارگر و تمام خلق کارگر بسویه ملی و بین‌المللی تأمین گردد.

از (ص اول)

هوشیاری ...

حال باید دید که برای نیل باین اهداف عالی در وضع مشخص موجود چه باید کرد و وظیفه مبرم و فوری نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه چیست؟
بعقیده ما، برخورد جدی نه نکات مشترک زیرین عمده‌ترین و ضروری ترین و فوری ترین وظیفه و شعار بالفعل است:

١- مبارزه پیگیر در راه استقرار بسط و توسعه حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک افراد، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در **قدم اول دفاع از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی (فصل سوم قانون اساسی).**

٢- **افشا و خنثی کردن همه‌جانبه نقشه‌های فتنه‌انگیز ارتجاع علیه جنبش آزادی‌بخش ملی و آماده ساختن مردم برای مبارزه علیه آن.**

٣- **استفاده درست و بهنگام از وسایل و شیوه‌های مبارزه مطابق به شرایط عینی و ذهنی، داخلی و خارجی کشور، بخصوص مطابق به وضع مشخص موجود، بدون ایجاد فتنه‌انگیزی، تفرقه افگنی و ماجراجویی که بهانه برای حمله وحشیانه ارتجاع گردد.**

ضرورت و مسئولیت تاریخی حکم می‌نماید که برای تهیه و تدارک تحول بنیادی در کشور و برای وادار ساختن پیهم ارتجاع به عقب‌نشینی و برای اجرای عمده‌ترین، ضروری ترین و فوری ترین وظایف سه‌گانه فوق، باید وحدت و تشکیل کلیه نیروهای دموکراتیک خلق و سایر عناصر صدیق ترقی‌خواه و وطن‌پرست که به ایجاد تحول بنیادی علاقه دارند و اتحاد (ولو موقتی هم باشد) کلیه نیروهای تحول طلبی که آرزومند استقرار آزادی‌های دموکراتیک از قبیل آزادی بیسان، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات، تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها ... و غیره که همه صورت‌های شکل مبارزه مسالمت‌آمیز اند، تأمین گردد.

هموطنان، نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست! نهضت وارد مرحله حساسی گردیده است. هوشیاری را نباید از دست داد! ارتجاع توطئه گر تر، فتنه‌انگیز تر و زمان برای ما تنگتر و پر مسئولیت تر می‌گردد.

(آمو)

(نوربیا)

ص(سوم)



د افغانستان د ملک د موکراتیک افکارو خپروونی

رویداد‌های مهم سیاسی جهان در هفته گذشته

در اروپا:

پاریس: بحران فرانسه علیرغم تلاشی که جهت آرامی آن بعمل می‌آید، هنوز هم ادامه دارد و تا حال درین اعتصابات یازده میلیون نفر اشتراک کرده‌اند. **پاریس:** روزنامه‌های فرانسه نطق جنرال دوگول را با تفسیرهای گوناگون منتشر کرده‌اند. دوگول در نطق خود گفت که فرانسه در آستان سقوط قرار گرفته است. ما فرانسویان اگر نخواهیم که این بحران‌ات به جنگ داخلی و ویرانی‌های بزرگ منجر شود، باید آنرا حل کنیم. جنرال دوگول در نطق (هفت دقیقه‌ای خود تاکید کرد که اگر مردم فرانسه ریفراندمی را که در ماه جون انجام خواهد داد، تأیید نکنند، پست ریاست جمهوری را ترک خواهد کرد. در هنگام سخنرانی دوگول مردم فرانسه در جاده‌ها علیه دوست دست به تظاهرات زده بودند.

رهبران اعتصابات بعد از ختم بیانیه دوگول اعلان نمودند که بمبارزات ادامه خواهند داد. (فرانس نوال) گفته که دوگول بمردم چیز تازمی نگفته است.

پاریس: اعتصابات پازده میلیون زحمتکشان فرانسه همچنان دوام دارد، گرچه دولت در مقابل اعتصابات کارگران تن در داده و قیولدار شده که سیستم معارف را اصلاح کند ولی مبارزه همچنان عمق و گسترش بیشتر پیدا می‌کند. نتایج مذاکره کارگران با دولت از جانب کارگران پذیرفته نشده است. روزتاروز شعار سیاسی مقدمتر از شعارهای اقتصادی قرار می‌گیرد. دوگول پروگرام اصلاحی خود را اعلان کرد، ولی حزب کمونیست فرانسه آنرا مانوری برای اغفال مردم می‌داند.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که وضع فرانسه فوق‌العاده بحرانی است و سقوط دوگول را تقریباً حتمی می‌دانند. ارتجاع فرانسه و انارشیت‌ها و گروه‌های افراطی سعی دارند بین نیروهای چپ تفرقه اندازند. (والدک روسیه) ضمن سخنرانی خود در کارخانه ریو به کارگران هوشیار باش داد که گروه‌های فاشیستی و سازمان جاسوسی آمریکا سعی دارند مبارزه مردم را از مسیر خود خارج کنند. او گفت که تمام نیروهای ارتجاعی ضد انقلابی ماسک انقلابی به چهره زده‌اند تا بتوانند خرابکاری کنند. باید دولت فعلی سقوط کند، ولی این مسأله مطرح است که چگونه دولت باید جای آنرا بگیرد. (فرانسوا متران) طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که اگر دوگول کنارگیری کند، باید یک حکومت موقت به اشتراک ده نفر بوجود آید که انتخابات جدید جمهوری را نظارت کنند، ارتجاع بین‌المللی و ارتجاع فرانسه چشم امید به اختلافاتی دوخته‌اند که هنوز بین نیروهای چپ موجود است.

پاریس: بحران اجتماعی فرانسه بیک بحران عمیق سیاسی تبدیل می‌شود. پارلمان فرانسه منحل گردید. جنرال دوگول ضمن بیانیه خود تهدید کرد که صدراعظم برطرف نخواهد شد. وی به زحمتکشان و محصلین و تمام مبارزین اخطار داد که از اعتصاب دست بکشند ورنه به قوت متوسل خواهد شد. این بیانیه دوگول باعث انزجار محافل فرانسه شده است. سندیکای کارگران و محصلین اعلان نموده که به مبارزات خود ادامه خواهد داد. منشی حزب کمونیست فرانسه نیروهای چپ را به اتحاد دعوت کرد. او گفت که بیانیه دوگول در حقیقت اعلان جنگ علیه همه نیروهاست. جنگ علیه محصلین، کارگران و همه مردمی که در راه رفاه، استقلال و سعادت مردم خود مبارزه می‌کنند.

اعتصاب کارگران با شهامت مطبعه معارف

یا موسسه انتشارات فرانکلن در افغانستان

خبريال ما اطلاع می‌دهد که ساعت ۸ قبل از ظهر روز ۸ جوزا، کارگران دلیر و زحمتکش مطبعه فرانکلن، که یکی از وسایل استعمار فرهنگی امپریالیزم در کشور می‌باشد، برای تأمین مطالبات صنفی و قانونی خویش دست به اعتصاب زدند.

لت و کوب دو تن

از شاگردان دارالمعلمین عالی توسط پولیس

ساعت ده روز ۹ جوزا حینی که تظاهرات و میتینگ شاگردان بنونخی های میخانیکی و صنایع در چار راه شاه دو شمشیره جریان داشت، دو تن از متعلمین دارالمعلمین عالی با استفاده از ساعت تفریح از محوطه دارالمعلمین خارج شده می‌خواستند بغرض تهیه مواد مورد ضرورت خویش، پل باغ عمومی را عبور نمایند، ولی از طرف پولیس مورد حمله و لت و کوب بیرحمانه قرار گرفتند که در اثر آن یکتن از ایشان در ناحیه سر جراحت برداشت. خبرنگار علاوه می‌کند که این حرکت غیرقانونی پولیس در بین شاگردان دارالمعلمین عالی باعث تولید تنفر و هیجان عمیقی گردیده است.

چگونه قانون در برابر قدرت ستمگران

زانو میزند

دو روز قبل (۱۹) نفر مأمور پروگرام شرکت سرویس باداره پرچم آمده و جریان بسیار عجیبی را که نماینده نهایی ترین بی‌لگامی را در برابر قانون نشان می‌دهد، شرح دادند.

این مأمورین بتاریخ جدی ۱۳۴۶ یعنی سه ماه قبل بدون کدام دلیل قانونی، عنر، جرم، اضافه بستی ... از کارشان در شرکت سرویس برطرف شده‌اند و وظایف شان را بدیگران سپرده‌اند.

این مأموران بخاطر دفاع از حقوق‌شان بتمام مراجع قانونی دولت مراجعه کردند و بالاثر وزارت معادن و صنایع مکتوبی باین مضمون به ریاست سرویس نوشت: «از پرجنالتترین موسسات از نگاه روابط با کارگران، یکی شرکت سرویس می‌باشد، چون هنوز سال ۴۶ بیان نرسیده است، تشکیلات ۴۶ بحال خود باقی است. شرکت سرویس مجبور است این اشخاص را دوباره بوظیفه های اصلی شان مقرر نماید.»

ولی شرکت سرویس که قانون هرگز خلاف میل آن عمل نمی‌کند (!) همچنان در برابر حقوق کارگران مذکور (مأموران سرویس) استادگی دارند و هیچ قدرتی وجود ندارد که باین حق قانونی احترام گذارد.

پرچم: درحالی‌که پشتیبانی خود را از حقوق کارگران اعلام می‌دارد، اعمال ضد قانونی مقامات مربوط را در این زمینه محکوم می‌نماید.

اعتصاب و تظاهرات شاگردان بنونخی‌های

میخانیکی و صنایع همچنان ادامه دارد

اعتصاب و تظاهرات شاگردان بنونخی‌های میخانیکی و صنایع به غرض برآورده شدن خواست‌های صنفی‌شان همچنان با ثبات و استواری ادامه دارد. وزارت معارف علیرغم وعده‌های قبلی، نه تنها تا کنون حاضر نشده است به افتخار قانونی شاگردان مذکور بپردازد، بلکه همچنان بنونخی‌های متذکره تحت کنترل شدید پولیس قرار دارد و شایعست که چند نفر از متعلمین از طرف پولیس توقیف گردیده‌اند.

پرچم: یک بار دیگر خواست‌های صنفی و قانونی شاگردان بنونخی‌های مذکور را تأیید و مسؤولیت عواقب وخیم ادامه این وضع را متوجه مقاماتی می‌داند که درین زمینه با بی‌اعتنایی برخورد می‌کنند.

در آلمان غرب

هیجان بزرگ سراسر آلمان را فرا گرفته است. قوانینی را که حکومت از پارلمان باید بگذرانند، این هیجان‌ات را شدت بخشیده است.

این قوانین چنان قوانینی است که بقایای دموکراسی بورژوازی را در آلمان محو خواهد کرد و رژیم آلمان را بطرف دکتاتوری فاشیستی می‌برد. مبصرین عقیده دارند که آلمان نیز مانند فرانسه به بحران‌ات مواجه خواهد شد.

برلین: در آلمان غرب باز تظاهرات عظیمی علیه قوانین استثنایی ادامه دارد. محصلین لوابحی را حمل می‌کردند که بروی آن نبشته شده بود: «باز می‌خواهند نازیزم را احیا کنند. دموکراسی در خطر است. باز می‌خواهند روی جاده‌ها خون جاری شود» اگر این قوانین استثنایی تصویب شود، تمام آزادی‌ها از قبیل مظاهره، اعتصاب، اجتماع، بیان و انتقاد از کارهای دولت نه تنها محدود، بلکه بکلی ناپود می‌شود و همچنان خطر جدی برای صلح اروپاست.

خواست‌های کارگران عبارت است از: ازدیاد معاش کارگران متناسب با مفاد متزاید موسسه انتشارات فرانکلن، تأسیس بیمه صحنی، تهیه وسایل انتقال کارگران از فابریکه به خانه‌هایشان و از آنجا بحوزه کار، انتقال پول ذخیره کارگران به بانک و اعاده با مفاد آن حین سبکدوشی آنان از کار، تهیه کوپون مواد ارتزاقی مطابق به استحقاق مأمورین و لباس زمستانی کار، قبول تعطیل بعدازظهر روزهای پنجشنبه، تادیه معاش پیشکی به کارگرانی که احساس ضرورت می‌کنند و وضع آن در تمام ماه‌های باقیمانده سال، تادیه مزد اضافه کاری به پیمانان دو چند مزد عادی، پذیرفتن ۱۵ افغانی عوض مالکولات کارگران شیکار و بهبود وضع غذای روزانه، قایل شدن به هفتاد روز رخصتی تفریحی ضروری و مریضی برای کارگران، قبول ۱۴ ماهه معاش در سال و برسمیت شناختن روز اول ماه می بحیث جشن بین‌المللی کارگران در کشور و غیره تسهیلات قانونی.

این کارگران قداکاز در پایان خواسته‌های خویش علاوه کرده‌اند که اگر با این مطالبات شان معامله قانونی صورت نگیرد، مجبور اند برای تأمین خواست‌های خویش دست به تظاهرات قانونی بزنند. کارگران در جریان این اعتصاب فریاد می‌زنند: زندهباد اتحاد طبقه کارگر افغانستان! پیروز باد نهضت جوان کارگری کشور! زندهباد آزادی، دموکراسی و صلح! مرده باد استثمار، استثمار، استبداد و ارتجاع! مرگ بر امپریالیزم! مرده باد دشمنان طبقه کارگر و ...

خبر می‌رساند که در جریان اعتصاب، پولیس داخل محوطه مطبعه شده به مداخله غیرقانونی دست زد. این مداخله با مقاومت شدید کارگران مواجه شد و نیروهای پولیس را مجبور به ترک محوطه مطبعه ساخت.

بالاخره ساعت ۱۱ روز مذکور رییس موسسه بحضور کارگران حاضر شده و وعده داد که تمام خواست‌های کارگران را قبول می‌کند.

موصوف برای ایفای این وعده تا روز شنبه ۱۱ جوزا از کارگران مهلت خواست. **پرچم:** مطالبات کارگران مطبعه فرانکلن را که به سود امپریالیزم و استثمار نوین بی‌رحمانه استثمار می‌شوند، جدا تأیید نموده و مجاهده در راه پیروزی مبارزه قانونی آنان را از وظایف اصلی خود می‌پندارد.

هانوی: رادیو هانوی اطلاع داد که واحدهای ضد هوایی ویتنام سه طیاره دیگر آمریکایی را سقوط دادند. طبق اطلاع رادیو هانوی، تا کنون (۲۹۴۴) طیاره آمریکایی در خاک ویتنام شمالی سقوط داده‌شده.

هانوی: روزنامه نان دانگ نوشته است که آمریکا از یکطرف بنفیا اعلان می‌کند که طرفدار صلح است، از جانب دیگر بمبارمان هوایی و تجاوزات زمینی آن بالای جمهوریت دموکراتیک ویتنام ادامه دارد. ما در مرحله اول طرفدار قطع بدون قید و شرط بمباران طیارات آمریکایی بالای ویتنام شمالی می‌باشیم.

در آمریکا:

واشنگتن: چهار روز است که عصیان سیامپوستان ادامه دارد. حکومت آمریکا قوای عسکری را برای سرکوبی این عصیان به ایالت لونیوی فرستاده است و همچنان تظاهرات ... مختلف آمریکا ... در مورد ... **(نسبت کمبود پارچه از اصل جریده بعداً تکمیل می‌گردد. عمر فیض)**

موج نوین نهضت کارگری در فابریکه

نساجی پلخمری

حقوق تلف شده آنان مجدانه مبارزه می‌کند.

«**بریاست محترم نساجی پلخمری!** ما کارگرهای زحمتکش دستگاه نساجی پلخمری بالوسيله خواست‌های قانونی خویش را به تفصیل آتی ارایه می‌داریم:

۱- رخصتی بعدازظهر روز پنجشنبه (با معاش).
۲- افزایش معاش به اندازه کافی.
۳- (۷۰) روز رخصتی تفریحی، ضروری و مریضی با معاش.
۴- از بین بردن ستنرد موجوده در موضوع رتبه‌های کارگری.
۵- مشکلات خانه و وضع آن (یک خانه برای یک فامیل داده شود).
۶- موضوع تداوی و معالجه مرطوبین کارگر بصورت اساسی.
۷- تشکیل اتحادیه کارگری مطابق آرزوی کارگرها بشکل دموکراتیک.

۸- انتقال پول ذخیره کارگران از حساب موسسه به یکی از بانک‌ها و اعاده با مفاد آن هنگام تقاعد کارگران.
۹- حساب پول بخششی کارگران که در گذشته همساله بنام کارگران تخصیص یافته و به دیگران توزیع گردیده، به کارگران داده شود و در آینده استحقاق بخششی کارگران بخود شان توزیع گردد.

ما حقوق طلب داریم. حقوق مشرور و حقوق ثابت و بالاخره حقوقی را می‌خواهیم که در گذشته زیر پا گذاشته شده بود و کسی به آن اعتنا نداشت، ما توقع نادرست و با بیرون از حدود امکان نداریم. هیچ یک مواد متن درخواست عمده نیست، بلکه هر کدام آن نهایت ساده، طبیعی و قابل اجرا می‌باشد. مثلاً در یک ماده موضوع خانه و مشکلات آن قید گردیده است، مگر دستگاه از نتیجه بد سکونت دو فامیل کارگر در یک حویلی آگاه نیست؟ آیا انحرافات اخلاقی ناشی از این طرز‌العمل موسسه نمی‌باشد؟ اگر جواب گفته نه می‌شود، پس چرا در حصه خود این طرز زندگی را قبول ندارند و آنرا به نفرت رد می‌کنند. و یا اینکه ما مطابق ماده دیگر این درخواست افزودی معاش را مطالبه داریم: بفرمایید کارمندان باصلاحیت دستگاه و یا نمایندگان صدیق شان با در نظر گرفتن وضع نامطلوب بازار و عدم کنترل نرخ اشیای طرف احتیاج، معاشات ما تا سنجش و قانع سازند.

معاش موجوده کفایت (۱۵) روز زندگی را بصورت بخور و نمیر نمی‌کند. ما کار می‌کنیم، انرژی مصرف می‌نماییم و باید انرژی صرف شده را از طریق تغذیه بازگیریم.

ما مطابق اصول اساسی مطالبات خود را پیش می‌کنیم.

از مرگ تدریجی فاقه نیز نجات می‌خواهیم. بما وسیله زنده ماندن تدارک نماییم تا ما خوب تر کار کنیم و به سرمایه ملی به افزایش.»

پایان تظاهرات کارگران مبارز

فابریکه خانه سازی

در شماره گذشته به اطلاع خواننده‌گان ارجمند پرچم رسانیدیم که کارگران مبارز فابریکه خانه سازی در اثر برخورد غیرقانونی مقامات مسؤول در برابر خواست‌های قانونی آنان، به تظاهرات خیابانی در جاده‌های شهر پرداختند.

خبرنگار ما اطلاع می‌دهد که در اثر این تظاهرات بروز ۵ جوزا ۱۳۴۷ وزیر فوایدعامه، رییس عمومی شهر سازی و رییس فابریکه خانه سازی درحالی‌که قومندان عمومی ژاندرم و پولیس نیز حاضر بود، با هشت نفر از نماینده‌گان منتخب کارگران مذکور داخل مفاهمه شده و بایشان وعده دادند که تا ختم ماه جوزا بخواست‌های قانونی آنان حتی‌الامکان جواب مثبت خواهند داد.

پرچم	
هره دوشنبه خپریری	
اشتراک	د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
په مرکز کی د کال ۱۰۰ - افغانی	د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی	سلیمان (لایق)
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالر	آدرس: غوثی مارکیټ
یوه کټه	محمد جان خان وات
	کابل، افغانستان

تایپ متن: فرهاد بارکزی، ویرایش جدید: عمر فیض

دولتی مطبعه